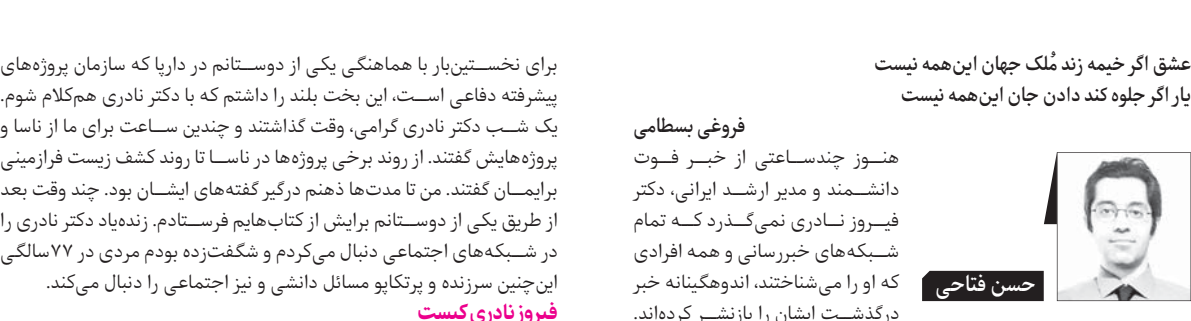




فقدان یک نخبه علمی

فیروز نادری، دانشمند و مدیر ارشد ایرانی تبار ناسا، چشم از جهان فروبست



فیروز نادری را از سال‌های دبیرستان می‌شناختم و می‌دانستم در ناساست. آن روزها اینترنت به شکل امروزی‌اش در کار نبود تا بیشتر درباره‌اش بدانم. سال‌ها گذشت و دکتر فیروز نادری در ناسا سمتی مهم را کسب کرد و مدیر پروژه‌های مهم سامانه خورشیدی شد. اوج درخشش فیروز نادری در پروژه‌های مربوط به سیاره بهرام یا مریخ بود. اجازه دهید این‌طور بگویم که سازمان ناسا، در حال حاضر مهم‌ترین پروژه‌هایش درباره سامانه خورشیدی است و در صدر آن سیاره بهرام؛ بنابراین برگزیدن فردی که بتواند چنین پروژه‌هایی را پیش ببرد کاری دشوار است. مدیر چنین پروژه‌هایی باید بتواند چندین ویژگی داشته باشد. هم از دانش فنی کافی برخوردار باشد، هم توان مدیریتی بالایی داشته باشد، هم توان ارتباطی با نیروهای کاربلد را داشته باشد و هم مرد تصمیم‌های دشوار باشد. تصمیم‌هایی که نیاز به خلاقیت و جسارت دارد. فیروز نادری که حالا کمتر از ۴۸ ساعت از فوتش می‌گذرد، آن فرد برگزیده بود که توانست در ناسا، بهترین‌ها را به کار گیرد و مرزهای دانش و فناوری را جابه‌جا کند. من

مسئولیت رئیس قوه‌در عدالت فرایندی

ادامه از صفحه اول
اما سخن اصلی با رئیس محترم قوه قضائیه است. او نمی‌تواند به این بسنده کند که قاضی و ازجمله قاضی دادگاه انقلاب یا امور امنیتی مستقل است و نمی‌تواند کاری کند. او مسئول رویه‌های سالم و به‌کارگیری ابزارهایی برای عدالت فرایندی است. یکی از این ابزارها کسب خبر و نشست دائمی با نمایندگان از فعالان سیاسی-رسانه‌ای و پیگیری مطالبات عمومی از زبان آنان است. شما هیچ‌گاه نمی‌توانید در محاصره اطرافیان و کارمندان خود باشید و عدالت را محقق کنید. رسیدگی‌ها نه‌فقط در فضای بسته اداری-قضائی بلکه باید در فضای عمومی انجام گیرد. این، یک روش تجربه‌شده بشری و تمذدانه است. فضای عمومی، هم عدالت را مطمئن‌تر می‌کند، هم اعتماد عمومی را برمی‌انگیزد، هم حوزه مدیریتی شما را اصلاح می‌کند. «عرصه عمومی» را دست‌کم نگیرید، در آن اندیشه کنید که یک ابزار مدیریتی مهم برای خود شما و برای اصلاح قوه است. یک ابزار مهم است که شما و قوه را از تسخیر افراطیون ایمنی می‌بخشد؛ خواهشمندم در این عبارات دقت کنید. «عرصه عمومی» موضوع مهمی برای اندیشه‌ورزی فیلسوفان و اندیشمندان حوزه مدیریت و سیاست بوده است. نشست و برخاست هدفمند (و نه «شواف» رسانه‌ای) ابزار مهمی برای تقویت خودتان و برای تحقق عدالت فرایندی است. متأسفانه این مهم در حد شعار باقی مانده و به

مدارک فارغ التحصیلی اینجانب**مژگان آیینی** فرزند اکبر به‌شماره شناسنامه۱۶۰۶صادره ازآبادان درمقطع کاردانی نقاشی صادره‌از آموزشکده فنی وحرفه‌ای دختران اهوازمفقودگردیده‌است وفاعد اعتبار می‌باشد. ازبائنده تقاضا میشود اصل مدرک را به آموزشکده فنی وحرفه‌ای دختران اهواز به نشانی اتوبان گلستان کوی پردیس ابتدای بلوار گل‌دیس ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سایپا SE۱۳۱۵ شاسی: ۴۳۲۰۷۷۴E۱۱۱۰۴NAS
موتور: ۵۲۲۴۸۷۲
پلاک: ۹۹: ایران ۲۳۴ ن ۴۲
مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

نشست‌هایی اندک و گاهی نمایشی محدود شده است. فراموش نکرده‌ایم نقش رسانه‌ها در افشای فجایع کهریزک و اصلاح روندهای حکومت و قضاوت و امنیت تا چه اندازه مؤثر بود. فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، نخبگان و خبرگان کارکرد مهمی در نظام‌های سیاسی دارند. بسیاری از آنان از زندگی شخصی خویش گذر کرده‌اند. شما با تعامل مستمر با آنان می‌توانید هم به اصلاح دستگاه خویش بپردازید و هم با شفاف‌سازی‌ها ذهن و دل آنان را به خود معطوف کنید؛ ضرر نمی‌کنید. آنان هر یک بخش‌هایی از جامعه را نمایندگی می‌کنند. این ازجمله مسئولیت‌های اجتماعی و مدنی شما نیست. قرار است بر دل‌های مردمان حکومت کنید و پایدار باشید؛ قرار نیست تنها دلخوش به تأییدات بخشی از مردم باشید. حکومت بیش و پیش از هر چیز متعلق به همانا است. این چه انحرافی است که در برخی پیش آمده است و ملت را در شمار اندکی خلاصه کرده و مسئولان را مجبور می‌کنند که با آنان همراه، هم‌رای و هم‌آوا باشند. این هم‌آوایی به «هم‌آواری» منجر می‌شود.

جامعه نیاز به قدرت‌های متکثر دارد. این قدرت‌ها فقط در دولت و حکومت خلاصه نمی‌شود. خبرنگاران یک رکن قدرت عمومی‌اند. فعالان سیاسی، اصحاب علم و اندیشه و دانشگاه و حوزه نیز به همچنان. اینان باید بتوانند «قدرت اجتماعی» تولید کنند و شما با نشست و برخاست دائمی با اینها با تعامل

و اثربخشی و اثرپذیری از آنان در «تولید قدرت اجتماعی» آنان سهمی می‌شوید. تولید قدرت سازمان‌دهی‌شده اجتماعی از سوی اینان برای همه ما و شما مفید است و جامعه را زنده و پویا نگه می‌دارد. «فرد» به خودی خود تنهاست و نمی‌تواند به اصلاح امور بپردازد. او باید بتواند با دیگران متحد شود، به گروه تبدیل شود تا قدرت اجتماعی تولید شود و تا بتواند به اصلاح بپردازد. کشوری که در آن «قدرت اجتماعی» تولید نشود، در معرض خطر نفوذ و ظلم و ناکارآمدی است؛ بنابراین مسئولیت اجتماعی و مدنی شما به این است که این تعاملات را دامنه‌دار و سامان‌مند کنید تا «قدرت اجتماعی» تقویت شود و تا جامعه و خودتان تقویت شوید.

ظلم می‌تواند اشکال گوناگون داشته باشد. گاه ماهیتی سیاسی، گاه اداری و گاهی هم نمودی دستگاهی دارد. عدالت فرایندی روی به همه این امور دارد. این نوشته صرفا معطوف به ششماری از این ابزارها یعنی تعامل دائمی شما با جامعه و نمایندگان جامعه مدنی و تشکییل هیئت‌های تفحص است. این، مهم‌تر از ملاقات حضوری شما در تظلم‌خواهی‌های افرادای برای یک پرونده خاص است. از قضا تأثیرگذاری چنین ملاقات‌های انفرادی در عدالت فرایندی بسیار اندک است. کار مهم‌تر رسیدگی به عرصه عمومی به معنای حرفه‌ای آن است. اینها ابزارهای مدرن حکومت و سیاست و قضاوت است.

... ازجمله پالایشگاه نفت تبریز که با استفاده از حدود ۱۱۰ هزار بشکه

نفت استان خوزستان زمینه اشتغال صدها نفر را در اسان آذربایجان شرقی فراهم و ارزش افزوده آن صرف توسعه کشور و استان می‌شود. این شرکت در میان ۱۰ شرکت پتروپالایشی برتر آسیا قرار دارد. آیا با استمران این رویکرد مرتبط با مس سونگون باید این پالایشگاه به جای دیگری منتقل شود؟ و استان مبدأ درخواست مشابهی مانند مس سونگون داشته باشد؟ مجتمع پتروشیمی تبریز یکی دیگر از تأسیسات صنعتی است که نیاز خود را از استان‌های بوشهر و خوزستان تأمین می‌کند و منشأ خدمات بزرگی به تبریز، استان و کشور شده است. این شرکت موجب اشتغال چند هزار نفر شده است. همچنین بخشی از نیازهای شرکت عظیم مجتمع فولاد صائب تبریزی نیز از دیگر نقاط کشور برطرف می‌شود. نمونه‌های دیگری از تأسیسات صنعتی در استان آذربایجان شرقی مانند تمام استان‌های ایران بزرگ را می‌توان مثال زد که منابع اولیه خود را از دیگر استان‌ها تأمین و البته به استان و کل کشور خدمت می‌کنند. آیا باید در این‌باره هم تجدیدنظر کرد؟

فصل مسئولان دولت با کار کارشناسی به ملزومات و پیامدهای رویکرد خود اندیشیده‌اند؟

۵- ارتباطات میان استان‌های کشور تنها در امور اقتصادی مانند

تأمین مواد معدنی و منابع اولیه تولید خلاصه نمی‌شود. به درست

یا نادرست بخشی از نیازهای آبی کشور نیز با انتقال آب صورت

امروز که در حال نوشتن این یادداشت بلند درباره فیروز نادری هستم، با خود می‌اندیشم میراث این مرد ایران‌دوست چه بود؟ میراثش برای بشر و برای ایران. اگر چه او چند هفته پیش با افت تپش قلب و برخورد سرش با دیوار دچار فلج جسمی شد، اما نامش همچون پرنده‌ای خوش‌آواز همواره به پرواز ادامه خواهد داد. فیروز نادری در ناسا نسل جدیدی از کارآفرینان را ساخت و نسل نویی از مدیران را تربیت کرد که با جای پای او بگذارند. فیروز نادری در دوره کاری‌اش جایزه‌های مهمی را دریافت کرد؛ اما میراث او فراتر از مدال‌هاست. او کمک کرد تا مرزهای دانش جلوتر بروند. برای سرزمین مادریش ایران، میراثی به مراتب گران‌بهارتر را به یادگار گذاشته است. او برای نسل جوان ایران، الهام‌بخش بود و پرشکوه. الهام‌بخش بودن برای نسل جوان چنان کاری بزرگ است که از عهده بسیاری از دانشمندان برجسته و برنده جایزه نوبل هم سرتگ نمی‌آید. او سخنری دانا و توانا بود. وقتی گفت‌وگویش را با مرکز میراث کلنت می‌خواندم، درمی‌یافتم که تا چه اندازه در کارها به ریزه‌کاری‌ها دقت دارد. فیروز نادری گران‌قدر ایران‌زمین، وجودش برای جوانان و نوجوانانی که در سر روایای ستارگان و فضا را دارند، الهام‌بخش و امیدزا بود. خودش هم این را می‌دانست و به همین دلیل همواره در سخنرانی‌های عمومی یا شبکه‌های اجتماعی حضور داشت. آرزو می‌کنم نام این مرد بزرگ و دوست‌داشتنی همیشه برای ایران الهام‌بخش و پرشکوه باشد. او به‌زودی در خاک خواهد خفت؛ اما برای همیشه در دل کسانی که او را از دور یا از نزدیک می‌شناختند، زنده است. نامش بلند و جاودانه در دفتر دانش و در کتاب میهن.

انتزاع مس سونگون و پیامدهای خطیری که درباره آن فکری نشد

می‌گیرد. امروزه ۶۰ درصد از آب شرب تبریز از طریق انتقال آب سد شهید کاظمی بوکان تأمین می‌شود؛ کم‌اینکه بخشی از نیازهای آبی استان‌های همدان و زنجان نیز به وسیله انتقال آب از استان کردستان برطرف می‌شود. بخشی از نیازهای کشور هم به وسیله بنادر و مرزهای زمینی سیستان‌وبلوچستان تأمین می‌شود. آیا اقدامات غیرکارشناسی دولت به خواسته‌های غیرمنطقی در این موارد و موارد مشابه فراوان دیگر با روح محلی‌گرایی ختم نمی‌شود؟ ۶- در سال گذشته خبری منتشر شد که شرکت ملی مس ایران بخشی از بدهی‌های باشگاه تراکتورسازی با مالکیت بخش خصوصی را بر عهده بگیرد. این در حالی است که هیچ ارزیابی مستقلی از دلایل بدهی این باشگاه به عمل نیاوده و مشخص نیست چرا بخشی از مسئولان استانی به جای توسعه استان به دنبال استفاده از منابع کشور برای صرف در امور باشگاه بخش خصوصی برآمدند! آیا انتقال مس سونگون برای چنین استفاده‌های احتمالی نیز صورت گرفته است؟ یا موضوع ابعاد کارشناسی دیگری دارد که ما از آن غافلیم؟ ۷- هر نوع اختلال در مناسبات عمیق ایرانیان گامی است در راستای تحلیل‌کردن و حساسیت‌زایی و سرایت چنین رویکردی به دیگر نقاط کشور که اقدامی دست ممالح ملی است؛ امری که نه به مصلحت ملک است، نه مصلحت ملت؛ نهادهای بالادستی کشور در برابر چنین اقدامات غیرکارشناسی، مخاطره‌انگیز، سرنایتی، سلیقه‌ای و پرهزینه چه واکنشی خواهند داشت؟

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب هاله قاضی زاده ماگوئی** فرزند هوشنگ به شماره شناسنامه۸۹۰۰صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت برنامه ریزی صادره از واحد دانشگاهی رودهن با شماره۷۶۵۰۵۸۹۱مفقود گردیده است وفاعد اعتبار می‌باشد. از باینده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن به نشانی رودهن مجتمع دانشگاهی ارسال نماید.

برگ سبز خودرو فیدلیتی پرایم رنگ سفید مدل ۱۴۰۰
به شماره پلاک ایران ۴۰- ۵۲۷۰۹۸ و شماره موتور SQRE4T15C*ACMJ06608 و شماره شاسی NAGC1AB49M1004463 به نام رحیم فرضی
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو پژو پارس TU5 رنگ سفید مدل ۱۳۹۶
به شماره پلاک ایران ۷۹- ۵۹۴ م ۴۵ و شماره موتور 164B0161751 و شماره شاسی NAAN11FE2HH045863 به نام گل ناز مقدس خو
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدارک تحصیلی **اینجانب رزا محمدیان** فرزند بهرام به شماره ملی۴۶۱۰۲۰۹۸۹۶در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری، مدرک کارشناسی به شماره۸۰۳۰۰۸۱۷۹۱۳۳۰۰ و تاریخ۱۷۹۴۱۲۳۳۶۳۲۴به شماره۹۲/۱۰۷ و مدرک کارشناسی ارشد به شماره۹۷/۰۶۱۰۶۱۱مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. از باینده تقاضا می گردد اصل مدارک را به نشانی شهرکرد، رحمتیه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد ارسال نماید.